

بررسی فقهی تولید، مصرف و معاملات داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت در فقه امامیه

□ مظاهر حیدری *

چکیده

برای ساخت واکسن، باید مراحل طی شود تا مجوز مصرف عمومی برای آن صادر شود. هدف از این مراحل - که غالباً بین یک تا چهار سال زمان می برد - اثبات «ایمنی»، «کارایی» و «اثربخشی» واکسن است. در واقع از یک سو در ساخت و تزریق واکسن باید جنبه احتیاط رعایت شود و از سوی دیگر از دست دادن زمان، موجب بالا رفتن آمار قربانیان می شود که به اصطلاح اصولیون دوران بین محذورین پیش می آید. حال سوال آن است که حکم فقهی تست اثربخشی و تزریق واکسن بر روی انسان در چه زمانی جایز و در چه مرحله ای جرم است؟ جستار حاضر با روش تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای بدین نتیجه رسیده است که اولاً با توجه به ادله فراوان وجوب حفظ جان و حرمت به خطر انداختن سلامت انسان، تنها در صورتی تست اثربخشی واکسن مجاز است که اولاً تمام مراحل ساخت آن بر اساس اصول علمی طی شده باشد تا احتمال تهدید سلامت انسان به حداقل ممکن برسد و ثانیاً قبل از انسان - بشرط مفید بودن - بر روی دیگر جانداران تست شده باشد و ثالثاً شرایط جامعه به گونه ای باشد که تست واکسن - با وجود عوارضی که دارد - بر عدم آن ترجیح داشته باشد و الا باید از باب ادله ثانویه ای مانند ضرورت و حفظ نظام و ... قائل به جواز چنین آزمایشی شویم.

کلید واژه ها: واکسن، بیماری های واگیردار، تست اثربخشی، قاعده ضمان، وجوب حفظ جان، قاعده الضرورات.

مقدمه

انسان موجودی زنده و پویاست که به طور مستمر در اعضاء و جوارح او تغییر و دگرگونی رخ می‌دهد. این دگرگونی‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات جسمانی انسان‌اند و با توجه به پیچیدگی ساختار بدن او، از تنوع و عمق بیشتری نسبت به سایر موجودات زنده برخوردارند. از این رو، شناخت آناتومی بدن انسان و بررسی اختلالاتی که در این نظام پیچیده پدید می‌آید، همواره نیازمند مطالعه، تجربه و تحقیق مستمر بوده است. بخشی از این تغییرات، تغییرات مثبت و سازنده‌اند که به رشد و تکامل جسم می‌انجامند، و بخشی دیگر تغییرات منفی‌ای هستند که تعادل طبیعی بدن را بر هم زده و در اصطلاح پزشکی «بیماری» نامیده می‌شوند.

گسترش بیماری‌ها، پیچیده‌تر شدن ساختار آن‌ها و ناتوانی برخی درمان‌های متعارف در پاسخ‌گویی کامل به نیازهای درمانی بشر، موجب شده است که علم پزشکی به صورت فزاینده‌ای به منابع متنوع طبیعی برای تولید دارو توجه کند. در این میان، مطالعات تجربی نشان داده است که در خون، گوشت، استخوان، پوست و سایر اجزای برخی حیوانات، ترکیباتی وجود دارد که می‌تواند در درمان یا کنترل برخی بیماری‌های سخت و مزمن نقش مؤثری ایفا کند. این واقعیت علمی، پای حیوانات حرام گوشت را نیز به عرصه تولید دارو و صنایع وابسته به آن باز کرده است؛ به گونه‌ای که امروزه در برخی کشورها از اجزای حیواناتی مانند کروکودیل، تمساح و دیگر حیوانات حرام گوشت، فرآورده‌های دارویی و درمانی تولید می‌شود.

ورود این گونه داروها به چرخه درمان، پرسش‌های بنیادینی را در حوزه فقه اسلامی و به ویژه فقه امامیه پدید آورده است. مسئله تنها به «مصرف» دارو محدود نمی‌شود، بلکه زنجیره‌ای از موضوعات فقهی را در بر می‌گیرد؛ از جمله:

حکم تولید دارو از اجزای حیوان حرام گوشت، حکم استفاده بیمار از این داروها، حکم تجویز آن‌ها توسط پزشک، مشروعیت خرید و فروش این داروها، و حتی حکم پرورش و نگهداری حیوان حرام گوشت با هدف بهره‌برداری دارویی. این پرسش‌ها، به ویژه در جوامع اسلامی که التزام به احکام شرعی در حوزه سلامت و اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد، از حساسیت بالایی برخوردار است.

از منظر فقه امامیه، بررسی این مسائل ناگزیر از رجوع به قواعد و مبانی کلان فقهی است؛ قواعدی همچون قاعده اضطرار، قاعده لاجرح، قاعده لاضرر، و نیز بحث استحاله که در باب طهارت و نجاست و تغییر ماهیت اشیاء نقش تعیین کننده ای دارد (نک: ابن ادریس، ۱۴۳۰ق؛ نجفی، ۱۴۰۴ق). افزون بر این، مباحث مربوط به معاملات، کسب و کار و تجارت با مسلمان و غیر مسلمان، و همچنین حکم انتفاع از اشیاء نجس یا حرام در موارد خاص، در تحلیل فقهی این موضوع نقشی اساسی ایفا می کنند (نک: شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق).

با این حال، بررسی ها نشان می دهد که با وجود کاربرد گسترده عملی این مسئله در دنیای معاصر، پرداخت مستقل و منسجم به «تولید دارو از حیوان حرام گوشت» در آثار فقهی کلاسیک کمتر دیده می شود و غالباً مباحث مرتبط به صورت پراکنده و ذیل عناوینی چون طهارت، اطعمه و اشربه، بیع، یا اضطرار مطرح شده اند. همین امر، ضرورت بازخوانی و جمعیت این مباحث و تطبیق آن ها بر مسائل نوپدید صنعت داروسازی را دوچندان می سازد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که: از منظر فقه امامیه، حکم تولید دارو از حیوان حرام گوشت، استفاده درمانی از آن، و نیز خرید و فروش و سایر تعاملات اقتصادی مرتبط با این داروها چیست؟ پاسخ به این پرسش، افزون بر روشن ساختن تکلیف شرعی بیماران، پزشکان و داروسازان، می تواند مبنایی فقهی برای سیاست گذاری در حوزه سلامت، داروسازی و تجارت در جوامع اسلامی فراهم آورد.

از حیث روش، این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه ای سامان یافته است. بدین منظور، با مراجعه به منابع معتبر فقه امامیه، آیات و روایات مرتبط، آرای فقها و قواعد فقهی حاکم بر مسئله، تلاش شده است تا ضمن تبیین دقیق موضوع، دیدگاه های مختلف بررسی و تحلیل شود و در نهایت، تصویری منسجم و کاربردی از حکم فقهی این مسئله ارائه گردد.

در ادامه مقاله، ابتدا مبانی نظری و قواعد فقهی مرتبط با بحث تبیین می شود؛ سپس احکام فقهی مربوط به تولید دارو از حیوان حرام گوشت، مصرف و تجویز آن در حالات عادی و اضطراری، و نیز احکام پرورش، نگهداری و خرید و فروش این حیوانات و فرآورده های دارویی آن ها بررسی خواهد شد و در پایان، نتایج و جمع بندی نهایی ارائه می گردد.

پیشینه پژوهش

با توجه به آن که مسئله «تهیه دارو از حیوانات حرام گوشت و حکم فقهی تولید، مصرف و معاملات مرتبط با آن» از مسائل نوپدیدی است که در پرتو پیشرفت های اخیر علوم پزشکی و داروسازی مطرح شده، در ادبیات فقهی موجود، پژوهش مستقیم، مستقل و منسجم درباره آن گزارش نشده است. در متن مبنای این مقاله تصریح شده است که این موضوع در نتیجه گسترش علم داروسازی و پزشکی در سال های اخیر، به تدریج نمود یافته و تاکنون تحقیق جامعی که به طور اختصاصی و تفصیلی به آن پردازد، نگاشته نشده است.

آن چه در منابع پیشین قابل ردیابی است بیشتر به صورت اشارات پراکنده و ضمنی در خلال مباحث دیگر است. از یک سو، در برخی پژوهش ها و نوشته ها، به طور گذرا به بخش هایی از مسائل مرتبط با این موضوع اشاره شده است؛ از جمله در مباحثی که ناظر به احکام استفاده از اجزاء نجس در درمان یا حکم نجاسات در صنعت است. از سوی دیگر، در کتب فقهی کلاسیک و متأخر، بخشی از مسائل این بحث ذیل ابواب معاملات، به ویژه در ضمن بحث های مربوط به بیع و شراء حیوانات حرام گوشت و بیع نجاسات و اجزاء نجس حیوان آمده است. این مباحث، هرچند به طور مستقیم ناظر به «تولید دارو» نیستند، اما از آن جا که متکفل بیان حکم خرید و فروش و انتفاع از اجزاء حیوان حرام گوشت و نجاسات اند، زمینه فقهی لازم برای تبیین حکم تجارت و استفاده دارویی از این اجزاء را فراهم می کنند.

در جمع بندی وضعیت ادبیات موجود، در متن اصلی تأکید شده است که این موضوع از مسائل مغفول در میان تألیفات و تحقیقات محققان به شمار می آید؛ به گونه ای که کتاب و نوشته جامعی که به صورت تخصصی و تفصیلی به آن پردازد، شناخته نشده است. حتی ادعا شده که جای خالی حکم این مسئله در رساله های عملیه مراجع تقلید نیز محسوس است و این خلأ، ضرورت پرداختن روشمند و تخصصی به آن را دوچندان می کند. بر این اساس، می توان گفت که ادبیات فقهی پیشین، بیش از آن که در قالب آثار مستقلاً درباره «داروسازی از حیوانات حرام گوشت» شکل گرفته باشد، در چارچوب بحث های کلی تری چون بیع نجاسات، احکام حیوان حرام گوشت، احکام نجاسات در معاملات و انتفاع از نجس و متنجس قابل پیگیری است.

در مقابل این کمبود در ادبیات فقهی، در حوزه پزشکی و داروسازی نشانه‌هایی از گسترش تحقیقات درباره استفاده درمانی از حیوانات حرام گوشت دیده می‌شود. در متن مبنا اشاره شده است که پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن توسعه علم پزشکی و داروسازی، متخصصان را به این نتیجه رسانده است که علاج برخی امراض در گوشت، خون و استخوان برخی از حیوانات حرام گوشت نهفته است؛ به عنوان نمونه، از کشف قابلیت خون کروکودیل در درمان برخی بیماری‌های صعب‌العلاج همچون ایدز یاد شده است. این قبیل یافته‌های تجربی و آزمایشگاهی نشان می‌دهد که ادبیات علمی غیر فقهی درباره کاربردهای درمانی اجزاء حیوانات حرام گوشت در حال شکل‌گیری و گسترش است، اما پاسخ منسجم فقهی متناسب با این تحولات، هنوز به صورت مستقل و نظام‌مند تدوین نشده است.

همچنین در بخش «ضرورت انجام تحقیق» بر این نکته تأکید شده که موضوع استفاده از حیوانات حرام گوشت در تهیه دارو، از زوایای مختلف فقهی، علمی و اجتماعی نیازمند واکاوی است؛ زیرا از یک سو با جان و سلامت انسان‌ها پیوند خورده و از سوی دیگر، بر معاملات، تجارت دارو و سیاست‌های نظام سلامت در جوامع اسلامی اثرگذار است. در همان‌جا یادآوری شده که فقدان آثار تخصصی و تفصیلی در این زمینه، خلأ قابل‌توجهی در ادبیات فقهی معاصر پدید آورده و پرداختن به این موضوع می‌تواند در حد توان، به حل پرسش‌ها و ابهامات موجود کمک کند.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که در ادبیات موجود، بحث «تولید دارو از حیوانات حرام گوشت و احکام فقهی مرتبط با آن» به صورت جامع و مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. در حوزه فقه، مباحث مربوط به این موضوع عمدتاً در ضمن ابواب معاملات و ذیل مسائلی همچون بیع نجاسات، خرید و فروش حیوانات حرام گوشت و اجزاء نجس آن‌ها، و نیز احکام انتفاع از نجاسات مطرح شده و پژوهش مستقلی که به تمام ابعاد این مسئله بپردازد، گزارش نشده است. در عرصه پزشکی و داروسازی نیز تحقیقات موجود بیشتر بر کارآیی علمی و درمانی اجزاء حیوانات حرام گوشت - مانند استفاده از خون کروکودیل در درمان برخی بیماری‌های صعب‌العلاج - متمرکز است و کمتر به جنبه‌های فقهی و شرعی این موضوع توجه شده است.

در حوزه میان رشته‌ای فقه و پزشکی نیز خلأ قابل توجهی مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که از یک سو مباحث فقهی پراکنده و فاقد انسجام لازم بوده و از سوی دیگر، تحقیقات پزشکی غالباً بدون ارتباط نظام‌مند با مبانی فقهی پیش رفته‌اند. همین فقدان مطالعات تلفیقی ضرورت انجام پژوهش‌هایی را آشکار می‌سازد که بتواند هم‌زمان به داده‌های علمی داروسازی و اصول و قواعد فقه امامیه توجه کند.

بر این اساس، مقاله حاضر با اتکا به همین پیشینه محدود و پراکنده، می‌کوشد با بهره‌گیری از مبانی فقهی امامیه و بررسی ملاحظات علمی مرتبط با داروسازی، خلأ موجود در ادبیات را تا حد امکان جبران کرده و چارچوبی منسجم برای تحلیل فقهی تولید، مصرف و معامله داروهای تهیه‌شده از حیوانات حرام‌گوشت ارائه دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

پیشرفت‌های علوم پزشکی و داروسازی سبب شده است که از منابع مختلف حیوانی در تولید دارو استفاده شود. در برخی موارد، مواد مؤثر درمانی در اجزاء حیواناتی یافت می‌شود که از نظر فقه اسلامی حرام‌گوشت محسوب می‌شوند. این مسئله پرسش‌های فقهی مهمی را درباره جواز تولید، مصرف و معاملات داروهای حاصل از این حیوانات مطرح می‌کند؛ به‌ویژه آن‌که در برخی موارد درمان بیماران به استفاده از چنین داروهایی وابسته است.

از سوی دیگر، در فقه اسلامی قواعدی مانند **قاعده اضطرار**، **قاعده لاضرر** و **اصل حفظ نفس** وجود دارد که می‌تواند در بررسی حکم استفاده درمانی از مواد حرام نقش تعیین‌کننده داشته باشد. قرآن کریم نیز در موارد اضطرار، استفاده از برخی محرّمات را مجاز دانسته است: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳).

با وجود اهمیت این مسئله در حوزه سلامت و نیز گسترش کاربرد منابع حیوانی در صنعت داروسازی، بررسی مستقل و منسجمی درباره حکم فقهی استفاده از حیوانات حرام‌گوشت در تولید دارو کمتر صورت گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر مبانی فقه امامیه و قواعد فقهی مرتبط، چارچوبی روشن برای تبیین حکم فقهی تولید، مصرف و معاملات داروهای تهیه‌شده از حیوانات حرام‌گوشت ارائه دهد.

مبانی فقهی استفاده از حیوان حرام گوشت در درمان

بررسی فقهی استفاده از حیوانات حرام گوشت در فرآیند درمان، نیازمند تبیین مبانی و قواعدی است که فقیه در چارچوب آن‌ها حکم شرعی مسئله را استنباط می‌کند. این مبانی در فقه امامیه ریشه در ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) و قواعد کلی فقهی دارند و می‌توانند چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل مسئله استفاده از حیوانات حرام گوشت در صنعت داروسازی فراهم آورند.

۱. اصل حرمت اکل و تفکیک آن از سایر انواع انتفاع

حرمت خوردن برخی حیوانات، از احکام مسلم و قطعی شریعت اسلامی است که مستند آن در قرآن کریم و سنت نبوی به روشنی بیان شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ...» (بقره: ۱۷۳)

و نیز در آیه دیگری به تفصیل بیشتری به مصادیق محرمات حیوانی اشاره شده است (مانده: ۳). فقهای امامیه با استناد به این آیات و روایات متعدد، اصل اولیه را در مورد حیوانات خاص، حرمت اکل دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که این حکم از ضروریات فقه امامیه به شمار می‌آید (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۳۶، ص ۳۲۶).

با این حال، نکته اساسی آن است که ادله شرعی، عمدتاً ناظر به حرمت خوردن هستند و نسبت به سایر انواع انتفاع، اطلاق روشنی ندارند. از همین رو، فقهای امامیه میان «اکل» و «انتفاع» تفکیک قائل شده‌اند. شیخ انصاری در المکاسب تصریح می‌کند که معیار حرمت، وجود نص یا اجماع بر منع انتفاع است و در غیر این صورت، صرف حرمت اکل، ملازمه‌ای با حرمت سایر استفاده‌ها ندارد (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸).

صاحب جواهر الکلام نیز بر همین تفکیک تأکید کرده و بیان می‌کند که بسیاری از حیوانات حرام گوشت، از حیث منافع غیرخوراکی، قابل استفاده‌اند؛ مشروط بر آن‌که عنوان محرم دیگری بر آن صدق نکند (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲، ص ۸). این تفکیک، مبنای مهمی برای امکان استفاده درمانی از اجزاء حیوانات حرام گوشت فراهم می‌سازد.

۲. قاعده اضطرار و نقش آن در جواز استفاده درمانی

قاعده اضطرار از قواعد مسلم فقهی است که مستند قرآنی و روایی روشنی دارد. قرآن کریم در موارد متعدد، استفاده از محرمات را در حالت اضطرار، بدون گناه دانسته است: «فَمِنْ اضْطُرٍّ غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳)

فقه‌ای امامیه از این آیات، قاعده‌ای کلی استخراج کرده‌اند که بر اساس آن، هرگاه حفظ جان یا سلامت انسان متوقف بر ارتکاب فعل حرامی باشد و راه جایگزین مباحی وجود نداشته باشد، ارتکاب آن به مقدار ضرورت جایز خواهد بود. شیخ طوسی در المبسوط، اضطرار را از اسباب رافع حرمت دانسته و تصریح می‌کند که در موارد خوف هلاکت، محرمات اولیه موقتاً مباح می‌شوند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۸۳)

علامه حلی نیز در شرائع الإسلام، ضمن بیان احکام محرمات، به صراحت اشاره می‌کند که در صورت اضطرار و خوف ضرر جانی، استفاده از محرمات جایز است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲۲). در حوزه درمان، این قاعده اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا بیماری‌های سخت و تهدیدکننده حیات، از مصادیق روشن اضطرار به شمار می‌آیند.

۳. قاعده لاضرر و نفی احکام منجر به آسیب

قاعده «لاضرر و لااضرار» از قواعد بنیادین فقه امامیه است که مستند آن حدیث مشهور پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد. این حدیث در منابع معتبر روایی نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۴۳۱).

فقه‌ای امامیه از این حدیث، قاعده‌ای کلی استنباط کرده‌اند که بر اساس آن، هر حکمی که موجب ضرر قابل توجه بر مکلف شود، از سوی شارع تشریع نشده است. شیخ انصاری در فرائد الأصول، قاعده لاضرر را حاکم بر ادله اولیه دانسته و آن را ابزاری برای رفع احکام زیان‌بار معرفی می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۳۵).

در مسئله درمان، اگر ترک استفاده از داروی مؤثر - هرچند منشأ آن حیوان حرام‌گوشت باشد - موجب تشدید بیماری یا به خطر افتادن جان بیمار شود، الزام به ترک آن با مفاد قاعده

لاضرر ناسازگار خواهد بود. از این رو، این قاعده می تواند مبنای مهمی برای جواز استفاده درمانی از این گونه داروها فراهم آورد.

۴. قاعده استحاله و تأثیر آن در رفع حرمت و نجاست

قاعده استحاله یکی از قواعد پذیرفته شده در فقه امامیه، به ویژه در ابواب طهارت و اطعمه و اشربه است. مقصود از استحاله، تغییر ماهیت یک ماده نجس یا حرام به گونه ای است که عرفاً عنوان جدیدی بر آن صدق کند.

فقه های امامیه نمونه بارز استحاله را تبدیل شراب به سرکه دانسته اند و بر این اساس، حکم نجاست و حرمت را در صورت تحقق استحاله، منتفی می دانند (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۲۱۸؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۲). امام خمینی نیز در تحریر الوسیله، استحاله را از مطهرات دانسته و تحقق آن را موجب تغییر حکم شرعی معرفی می کند (خمینی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۱۸).

در صنعت داروسازی، مواد حیوانی غالباً تحت فرآیندهای پیچیده شیمیایی و زیستی قرار می گیرند و به ترکیباتی جدید با ساختار و کارکرد متفاوت تبدیل می شوند. در صورتی که این تغییر به حدی باشد که عرفاً ماده جدیدی تلقی شود، می توان آن را از مصادیق استحاله دانست و حکم حرمت اولیه را از آن مرتفع دانست.

۵. اصل اباحه و انتفاع عقلایی

اصل اباحه از اصول عقلایی و پذیرفته شده در فقه امامیه است که بر اساس آن، در موارد شک در حرمت، اصل بر جواز است. این اصل مستند به ادله عقلی و نقلی بوده و در کلمات اصولیان به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۸؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۴).

بر اساس این اصل، هرگاه دلیلی خاص بر حرمت استفاده از اجزاء حیوان حرام گوشت در درمان وجود نداشته باشد و این استفاده دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد، حکم به جواز آن تقویت می شود. بسیاری از فقها، منفعت عقلایی را معیار مشروعیت انتفاع دانسته اند و بر همین اساس، استفاده های درمانی و پزشکی را از مصادیق بارز آن به شمار آورده اند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۸۴).

جمع‌بندی مبانی نشان می‌دهد که فقه امامیه از ظرفیت قابل توجهی برای پذیرش استفاده درمانی از حیوانات حرام‌گوشت برخوردار است، به‌ویژه در شرایطی که استفاده از آن‌ها در قالب خوردن نباشد، بهره‌مندی از آن‌ها دارای منفعت عقلایی و اثر درمانی باشد، در فرآیند تولید دارو استحاله عرفی رخ دهد، یا ضرورت و اضطرار پزشکی بر مصرف آن‌ها حاکم باشد. مجموعه این مبانی، پشتوانه نظری لازم را برای ورود به مباحث تفصیلی‌تر - مانند بررسی حکم فقهی تولید، مصرف و معاملات داروهای مشتق از حیوانات حرام‌گوشت - فراهم می‌کند و مسیر تحلیل‌های بعدی را روشن می‌سازد.

بررسی فقهی تولید و مصرف داروهای مشتق از حیوانات حرام‌گوشت

پیشرفت‌های گسترده در علوم پزشکی و فناوری‌های داروسازی در دهه‌های اخیر موجب شده است که استفاده از منابع مختلف زیستی، به‌ویژه منابع حیوانی، در فرآیندهای پژوهشی و تولید دارو به‌طور قابل توجهی افزایش یابد. در این میان، گاه برای استخراج برخی ترکیبات مؤثر دارویی یا انجام آزمایش‌های زیستی از حیواناتی استفاده می‌شود که در فقه اسلامی در شمار حیوانات حرام‌گوشت قرار دارند، یا از اجزایی از آن‌ها بهره گرفته می‌شود که از نظر فقهی نجس محسوب می‌گردند. گسترش چنین کاربردهایی در عرصه پزشکی و داروسازی، پرسش‌های تازه‌ای را در حوزه فقه پزشکی و فقه معاصر پدید آورده است؛ از جمله این پرسش اساسی که آیا تولید و مصرف داروهایی که منشأ آن‌ها حیوانات حرام‌گوشت یا اجزای نجس آن‌هاست، از دیدگاه فقه امامیه جایز است یا خیر، و در صورت جواز، این جواز بر چه مبانی و شرایطی استوار است.

برای پاسخ دقیق به این مسئله، لازم است موضوع در چارچوب اصول و قواعد کلی فقه امامیه مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، تعیین حکم فقهی این‌گونه داروها تنها با مراجعه به یک دلیل یا قاعده خاص امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند تحلیل مجموعه‌ای از مبانی فقهی است که هر یک در تبیین حکم نهایی نقش دارند. از مهم‌ترین این مبانی می‌توان به بررسی قلمرو حرمت «اکل» و تمایز آن از مطلق انتفاع از اشیاء اشاره کرد؛ زیرا بسیاری از ادله شرعی ناظر

به حرمت خوردن برخی حیوانات هستند و لزوماً همه انواع بهره‌برداری از آن‌ها را در بر نمی‌گیرند. همچنین توجه به جایگاه «منفعت عقلایی» در فقه اهمیت دارد؛ بدین معنا که اگر استفاده از یک ماده دارای منفعت عقلایی و مشروع، مانند منفعت درمانی باشد، این امر می‌تواند در جواز بهره‌برداری از آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

از سوی دیگر، در بسیاری از فرآیندهای داروسازی جدید، مواد اولیه حیوانی در اثر واکنش‌های شیمیایی یا زیستی دچار تغییر ماهوی می‌شوند و به ترکیباتی متفاوت تبدیل می‌گردند. از این‌رو بررسی قاعده «استحاله» و تأثیر آن در تغییر موضوع و حکم شرعی از مباحث مهم در این زمینه به شمار می‌آید. افزون بر این، قواعدی همچون «اضطرار»، «لاضرر» و اصل «حفظ نفس» نیز در فقه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارند و می‌توانند در مواردی که سلامت یا جان انسان در معرض خطر قرار دارد، در تغییر حکم اولیه نقش ایفا کنند. در کنار این قواعد، بررسی دیدگاه‌ها و سیره فقهای امامیه در مسئله درمان با مواد حرام یا نجس نیز می‌تواند در روشن‌تر شدن ابعاد فقهی موضوع مؤثر باشد.

برآیند این مبانی و قواعد فقهی، چارچوب نظری منسجمی را برای بررسی حکم تولید و مصرف داروهای فراهم می‌کند که از حیوانات حرام گوشت یا اجزای نجس آن‌ها به دست می‌آیند. در پرتو چنین چارچوبی می‌توان مسئله را با دقت بیشتری تحلیل کرد و به نتایجی دست یافت که هم با اصول فقه امامیه سازگار باشد و هم توان پاسخ‌گویی به نیازهای پزشکی و دارویی در دنیای معاصر را داشته باشد.

۱. تمایز میان حرمت اکل و جواز سایر انواع انتفاع

یکی از مبانی بنیادین در تحلیل فقهی بهره‌گیری از اجزاء حیوانات حرام گوشت در صنعت داروسازی، تفکیک میان «حرمت اکل» و «جواز انتفاع» است. ادله شرعی که به حرمت برخی حیوانات اشاره دارند، عمدتاً ناظر به حرمت خوردن این حیوانات اند و دایره حکم را به مصرف خوراکی محدود می‌کنند. قرآن کریم در چندین آیه، صریحاً بر حرمت خوردن میته، خون و گوشت خوک تأکید می‌کند؛ از جمله: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ...»

(بقره: ۱۷۳) و «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ...» (مائده: ۳). ساختار این آیات نشان می‌دهد که حرمت، به «اکل» تعلق دارد و سایر اشکال بهره‌برداری را شامل نمی‌شود، مگر آنکه دلیل جداگانه‌ای بر منع آن وجود داشته باشد.

فقه‌های امامیه نیز با توجه به این نکته، اصل را بر جواز بهره‌برداری‌های غیرخوراکی نهاده‌اند. شیخ انصاری در تبیین این اصل می‌نویسد: «کلّ ما كان له منفعة محلّلة عقلائية، جاز بيعه والانتفاع به، ما لم يرد دليل خاص على المنع» (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸). این بیان، به‌روشنی بر آن دلالت دارد که وجود «منفعت عقلایی مشروع» برای جواز انتفاع کفایت می‌کند و حرمت خوردن لزوماً موجب حرمت هر نوع استفاده از آن شیء نمی‌شود.

صاحب جواهر نیز با تأکید بر اصل اباحه در منافع می‌گوید: «الأصل في المنافع الإباحة، إلا ما خرج بالدليل» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲، ص ۸). بر اساس این مبنا، هر نوع انتفاع از اشیاء در اصل مباح تلقی می‌شود و خروج از این قاعده نیازمند دلیل خاص است.

بر این اساس، اگر از اجزاء حیوانات حرام‌گوشت در حوزه‌هایی غیر از خوردن استفاده شود - مانند استخراج ترکیبات زیستی، تولید فرآورده‌های دارویی، ساخت آنزیم‌ها، هورمون‌ها یا مواد آزمایشگاهی - چنین بهره‌برداری‌ها موضوعاً از دایره ادله حرمت اکل خارج‌اند. بنابراین، دلیلی برای منع آن‌ها وجود ندارد، مگر آنکه عنوان ثانوی حرامی بر آن‌ها صدق کند؛ مانند تنجیس در موارد غیرقابل اجتناب، ایجاد ضرر قابل توجه (مطابق قاعده لاضرر)، یا مصداق یافتن اعانه بر اثم در شرایط خاص.

در نتیجه، با توجه به مبانی پیش‌گفته، بهره‌گیری علمی، صنعتی و دارویی از اجزاء حیوانات حرام‌گوشت، مادامی‌که به خوردن منتهی نشود و عنوان محرم دیگری بر آن مترتب نگردد، از نظر حکم اولیه جایز است و منع آن نیازمند دلیل خاص و معتبر خواهد بود.

۲. جواز تولید دارو بر اساس منفعت عقلایی

در فقه امامیه، «منفعت عقلایی» یکی از معیارهای بنیادین در تعیین جواز بهره‌برداری از اشیاء، به‌ویژه در حوزه‌های علمی و صنعتی، به شمار می‌آید. بنابر این مبنا، هرگاه استفاده از یک ماده

- حتی اگر منشأ آن حیوان حرام گوشت باشد - با هدف عقلایی و مشروع صورت گیرد، اصل اولیه بر جواز انتفاع است، مگر آنکه دلیل خاصی بر منع وجود داشته باشد. شیخ انصاری در بیان این قاعده می نویسد: «کلّ ما كان له منفعة محلّلة عقلانية، جاز بيعه والانتفاع به، ما لم يرد دليل خاص على المنع» (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸). این تصریح نشان می دهد که وجود منفعت عقلایی مشروع می تواند جواز انتفاع را - در موارد مربوط به حیوانات حرام گوشت - تأمین کند.

صاحب جواهر نیز با تأکید بر اصل اباحه در منافع می گوید: «الأصل في المنافع الإباحة، إلا ما خرج بالدليل» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲، ص ۸). بنابراین، بهره گیری از اجزاء حیوانات حرام گوشت در فرایندهای داروسازی، در حکم اولیه داخل در حوزه اباحه است و برای خروج از این اصل، نیازمند دلیل خاص و معتبر شرعی خواهیم بود.

اهمیت این نکته زمانی آشکارتر می شود که کاربرد اجزاء حیوانات حرام گوشت در صنعت داروسازی غالباً هیچ ارتباطی با «خوردن گوشت» یا «استفاده خوراکی» ندارد، بلکه معطوف به بهره گیری از ترکیبات زیستی، سلولی یا مولکولی آن ها در راستای اهداف پزشکی، تحقیقاتی یا صنعتی است. در چنین مواردی، موضوع بهره برداری اساساً از قلمرو «حرمت اکل» خارج است؛ زیرا ادله حرمت، ناظر به خوردن هستند نه استفاده های علمی و صنعتی. به همین دلیل، سرایت حکم حرمت خوردن به سایر انتفاع های عقلایی، فاقد مستند شرعی است.

از منظر فقهی، تولید دارو از اجزاء حیوانات حرام گوشت مادامی که:

متضمن منفعت عقلایی درمانی باشد،

در قالب انتفاع غیر خوراکی قرار گیرد،

و هیچ عنوان ثانوی محرّم مانند ضرر، اعانه بر اثم یا تنجیس غیر قابل اجتناب بر آن مترتب نشود، مشمول اصل اباحه و حکم اولیه جواز خواهد بود. افزون بر این، از آنجا که تولید دارو عموماً به منظور درمان، نجات جان، یا کاهش آلام بیمار انجام می شود، این منفعت عقلایی، از نوع منفعت های مشروع و بلکه ضروری تلقی می شود و بدین سان، دایره جواز فقهی را تقویت می کند.

در نتیجه، با اتکا به مبنای «منفعت عقلایی» و اصول حاکم بر اباحه انتفاع، تولید دارو از اجزاء حیوانات حرام گوشت - به ویژه در مواردی که موضوع درمان یا تحقیق علمی مطرح است - نه تنها با حکم اولیه فقه امامیه سازگار است، بلکه در بسیاری از موارد، حکم به جواز آن به عنوان یک انتفاع مشروع و عقلایی، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

۳. تأثیر استحاله در تغییر حکم شرعی مواد دارویی

یکی از مبانی کلیدی فقه امامیه در بررسی حکم شرعی داروهایی که منشأ آن ها حیوانات حرام گوشت یا اجزای نجس آن هاست، قاعده «استحاله» است. استحاله به معنای «تغییر ماهیت واقعی و عرفی» یک ماده است؛ به گونه ای که پس از دگرگونی، عنوان پیشین بر آن صادق نباشد. فقه امامیه، بر اساس ضوابط موضوع شناسانه، حکم می کند که با تغییر ماهیت شیء، موضوع حکم سابق از بین می رود و در نتیجه، حکم شرعی قبلی نیز تغییر می کند. صاحب جواهر در تبیین این اصل می گوید: «إذا استحال الشيء عن حقیقته، ارتفع حکمه السابق، لأنّ الحکم یدور مدار الموضوع عرفاً» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۲۱۸).

نمونه روشن و مشهور این قاعده در فقه، تبدیل شراب به سرکه است؛ ماده ای که در حالت نخست، نجس و حرام است، اما پس از دگرگونی واقعی، به دلیل تغییر عنوان و حقیقت، حکم حرمت و نجاست آن نیز منتفی می شود و مصرف آن در حکم اولیه جایز می گردد.

این مبنا در حوزه داروسازی معاصر اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از داروهای مدرن از طریق فرآیندهای شیمیایی، بیوشیمیایی یا بیوتکنولوژیک تولید می شوند که در آن ها، ماده اولیه حیوانی به طور کامل دچار تغییر ساختاری می شود. بر اساس قاعده استحاله، هرگاه اجزاء حیوانات حرام گوشت در چنین فرآیندهایی به ماده ای جدید تبدیل شوند که عرفاً دیگر عنوان «جزء حیوان» یا «ماده نجس/حرام» بر آن قابل صدق نباشد، حکم اولیه نجاست یا حرمت نیز برطرف می شود. در این صورت، استفاده از داروی حاصل، حتی بدون تحقق اضطرار نیز جایز خواهد بود؛ زیرا موضوع حکم محرم دیگر وجود ندارد.

فرآیندهای داروسازی نوین نیز در موارد متعددی مصداق روشن استحاله اند؛ از جمله:

هیدرولیز کامل پروتئین‌های حیوانی در سطح آمینواسیدهای آزاد، تبدیل چربی‌ها به سورفکتانت‌ها در صنعت دارو و آرایشی - بهداشتی، دگرگونی آنزیم‌ها و ترکیبات زیستی به نحوی که هویت مولکولی اولیه از میان می‌رود، یا تبدیل اجزاء حیوانی به مواد کاملاً جدید با صفات شیمیایی/زیستی متفاوت. در چنین مواردی، از دیدگاه عرف و علوم تجربی، ماده جدید هیچ‌گونه سنخیتی با ماده اولیه ندارد و عنوان قبلی بر آن صدق نمی‌کند. بنابراین، مطابق قاعده استحاله، حکم حرمت یا نجاست اجزاء حیوان حرام گوشت به داروی نهایی سرایت نمی‌کند و مصرف آن، بر اساس حکم اولیه، جایز است.

۴. حکم اولیه مصرف مواد نجس یا حرام

در فقه امامیه، حکم اولیه در مورد خوردن یا آشامیدن مواد نجس یا حرام، عدم جواز است. فقها با استناد به ادله کتاب و سنت، اصل را بر حرمت مصرف چنین موادی قرار داده‌اند؛ چنان‌که صاحب جواهر در بیان این قاعده می‌نویسد: «الأصل عدم جواز أكل النجس أو الحرام» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۳۶، ص ۳۲۹). این حکم در واقع ناظر به حفظ طهارت و سلامت شرعی انسان و جلوگیری از بهره‌گیری خوراکی از اشیایی است که شارع مقدس آن‌ها را حرام یا نجس دانسته است.

در روایات نیز بر این اصل تأکید شده است. از جمله روایت معروفی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِي مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۳۶۴).

ظاهر این روایت بیانگر آن است که شارع مقدس درمان انسان را در چیزهایی که آن‌ها را حرام کرده قرار نداده است؛ از این رو، برخی فقها بر پایه این روایت، استفاده درمانی از مواد حرام را در شرایط عادی مجاز نمی‌دانند و معتقدند که اصل اولیه در این گونه موارد نیز منع است.

با این حال، بسیاری از فقهای امامیه در تفسیر این روایت، آن را ناظر به شرایط عادی دانسته‌اند؛ یعنی مواردی که داروی جایگزین حلال وجود دارد و استفاده از ماده حرام ضرورتی ندارد. از این

رو، آنان معتقدند که مفاد روایت، نافی مطلق استفاده درمانی از مواد حرام نیست، بلکه بیانگر یک قاعده کلی در شرایط عادی است. شیخ انصاری در این باره تصریح می‌کند که اگر درمان منحصر در ماده‌ای باشد که در اصل حرام است، و ترک آن موجب ضرر یا خطر جدی برای بیمار گردد، می‌توان بر اساس قواعد ثانویه به جواز آن حکم کرد (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۳).

بر این اساس، گرچه حکم اولیه در فقه امامیه عدم جواز مصرف مواد نجس یا حرام است، اما این حکم در همه شرایط ثابت نمی‌ماند و ممکن است در پرتو قواعد فقهی دیگری مانند اضطراب، حفظ نفس، دفع ضرر و ضرورت درمان تغییر یابد. از همین رو، در مباحث فقه پزشکی، بسیاری از فقها میان وضعیت عادی و شرایط اضطراری تفکیک قائل شده‌اند و حکم مصرف داروهای مشتق از مواد حرام را بر اساس همین تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهند.

۵. نقش اضطراب و ضرورت درمانی در جواز مصرف

قاعده «اضطراب» و اصل بنیادین «حفظ نفس» از مهم‌ترین مبانی فقه امامیه در تحلیل جواز مصرف داروهای است که منشأ آن‌ها مواد نجس یا اجزاء حیوانات حرام گوشت است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳)

بر اساس این آیه و دیگر ادله شرعی، هرگاه انسان در وضعیتی قرار گیرد که حفظ جان، سلامت یا دفع ضرر شدید منوط به استفاده از چیزی باشد که در حالت عادی حرام است، حکم اولیه حرمت کنار گذاشته شده و جواز - و در برخی موارد وجوب - استفاده ثابت می‌شود.

فقه امامیه با تکیه بر این مبانی، شرایط تحقق اضطراب درمانی را چنین برمی‌شمرد:

خطر جانی یا تهدید جدی سلامت بیمار در صورت عدم مصرف دارو؛

تأیید متخصص مورد اعتماد مبنی بر ضرورت مصرف؛

عدم وجود جایگزین حلال مؤثر که بتواند نیاز درمانی را برطرف کند؛

محدود بودن مصرف به مقدار ضرورت و عدم تعدی از حدّ نیاز (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۸۳).

در چنین وضعیتی، مصرف دارویی که منشأ آن حیوان حرام گوشت یا ماده نجس است نه تنها جایز، بلکه از آنجا که ترک آن می‌تواند به نابودی جان یا آسیب جدی بینجامد، به حکم

«حفظ نفس» واجب می شود. این امر با قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» و نیز اصل عقلی و نقلی جلوگیری از ضرر نفس و بدن کاملاً سازگار است.

به همین دلیل، بزرگان فقه امامیه تصریح کرده اند که قواعد اولیه حرمت در برابر ضرورت درمانی انعطاف پذیر است و شارع مقدس، بنای شریعت را بر حفظ جان و سلامت انسان نهاده است. از این رو، قاعده اضطرار در منظومه فقه پزشکی، از مهم ترین پشتوانه های فقهی برای جواز مصرف داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت یا مواد نجس به شمار می آید و نقش تعیین کننده ای در بسیاری از استفتائات و دیدگاه های فقهی معاصر ایفا می کند.

۶. بررسی مصادیق در داروسازی معاصر

با گسترش علوم زیستی، بیوشیمی و فناوری های نوین داروسازی، استفاده از ترکیبات حیوانی - اعم از حلال و حرام گوشت - در تولید داروها و فرآورده های پزشکی بسیار شایع شده است. این ترکیبات گاه به عنوان ماده اولیه مستقیم و گاه به صورت واسطه های مولکولی، آنزیمی یا ساختاری به کار می روند. مهم ترین نمونه ها عبارت اند از:

ژلاتین های حیوانی به ویژه در ساخت کپسول ها و پوشش های دارویی؛
آنزیم ها، هورمون ها و ترکیبات فعال زیستی استخراج شده از حیوانات؛
مواد بیولوژیک پشرفته همچون پادتن ها، آنتی بادی های مونوکلونال، فاکتورهای انعقادی و واکسن ها؛

چربی ها، اسیدهای آمینه و سایر مولکول های زیستی که منشأ حیوانی دارند؛
ترکیبات اختصاصی حاصل از حیواناتی مانند خوک، خرچنگ، کروکودیل و... که در صنایع دارویی و بیوتکنولوژی کاربرد افزاینده ای یافته اند.

در بسیاری از این موارد، فرآورده های تولید دارو به گونه ای طراحی می شود که ماده اولیه دچار استحاله واقعی یا شبه استحاله می گردد. این تغییر ممکن است در سطح مولکولی، ساختاری، شیمیایی یا بیولوژیک رخ داده و به گونه ای باشد که هویت ماده اولیه به طور کامل از میان برود. در چنین وضعیتی:

ماده اولیه ماهیت سابق خود را از دست می دهد، عرفاً عنوان «جزء حیوان» یا «ماده حرام/نجس» بر آن قابل صدق نیست، و بدین ترتیب، موضوع حکم حرمت یا نجاست منتفی می شود. بر اساس حکم فقهی استحاله، در این موارد مصرف دارو جایز است، حتی اگر منشأ آن حیوان حرام گوشت باشد؛ زیرا حکم تابع موضوع است و موضوع سابق به کلی تغییر یافته است. اما در برخی موارد دیگر، ماده حیوانی بدون تغییر ماهیت وارد داروسازی می شود؛ نمونه روشن آن ژلاتین هایی است که با فرآیندهای ساده استخراج می شوند و ماهیت اولیه خود را حفظ می کنند. در چنین مواردی، از آنجا که استحاله رخ نداده و موضوع همچنان «جزء حیوان حرام» باقی است:

حکم مصرف تابع حکم اولیه حرمت خواهد بود، مگر در مواردی که اضطرار، ضرورت درمانی یا نبود جایگزین حلال ثابت شود. بنابراین، تحلیل فقهی مصادیق داروسازی معاصر به طور اساسی به نوع فرآیند تولید، میزان تغییر ماهیت ماده اولیه و تشخیص عرفی از استحاله یا عدم استحاله بستگی دارد. این موضوع نیازمند همکاری میان متخصصان فقه، داروسازی و علوم زیستی برای تعیین دقیق موضوعات خارجی است.

حکم فقهی معاملات داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت در فقه امامیه

پس از بررسی حکم تولید و مصرف داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت، گام مکمل و ضروری در این پژوهش، تبیین حکم معاملات مربوط به این داروهاست. معاملات در اینجا شامل خرید و فروش، عرضه، نگهداری برای فروش، واردات، صادرات و هر نوع مبادله اقتصادی مرتبط با این داروها می شود. پرسش اصلی این است که: آیا فروش و معامله دارویی که منشأ آن حیوان حرام گوشت است، از نظر فقه امامیه صحیح است؟ و اگر ماده اولیه آن نجس باشد ولی داروی نهایی تغییر ماهیت یافته باشد، حکم معامله چه تغییری می کند؟

۱. معیارهای صحت معامله در فقه امامیه

فقه امامیه برای صحت هر معامله شرایطی بنیادین مقرر کرده است که بدون تحقق آن‌ها، عقد بیع از اعتبار شرعی برخوردار نخواهد بود. این معیارها، علاوه بر آنکه حکم معاملات را از منظر اصول فقهی روشن می‌کنند، در تحلیل حکم خرید و فروش داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت نیز نقش محوری دارند. مهم‌ترین این شروط عبارت‌اند از:

الف. مالیت داشتن مبیع

شرط نخست آن است که مبیع از نظر عرف واجد مالیت باشد؛ یعنی چیزی باشد که عرف آن را دارای ارزش اقتصادی و قابل دادوستد بدانند. ملاک مالیت در فقه، وجود منفعت عقلایی است؛ هرگاه شیئی دارای منفعتی واقعی و قابل بهره‌برداری باشد، مالیت آن احراز می‌شود (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۹۸). بر این اساس، داروهای درمانی - حتی در صورت داشتن منشأ حیوانی حرام - به سبب برخورداری از منفعت عقلایی روشن (درمان بیماری‌ها)، از نظر مالیت مشکلی ندارند.

ب. مباح بودن منفعت مبیع

دومین معیار صحت معامله آن است که منفعت مورد انتظار از مبیع حلال و مجاز شرعی باشد. فقها تصریح کرده‌اند که معامله بر چیزی که تنها منفعت آن حرام است صحیح نیست (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲: ۸۱). با این حال، اگر کالا دارای منفعت حلال مهمی باشد، وجود برخی جهات غالباً ناخواسته یا غیرمقصود، معامله را فاقد مشروعیت نمی‌کند. دارو، به سبب آنکه منفعت اصلی و مورد قصد از آن درمان است، در زمره اموالی قرار می‌گیرد که منفعت غالب آن مباح و مشروع است.

ج. طهارت عین مبیع

از شروط مورد تأکید مشهور فقها، طهارت مبیع است. بنابر نظر مشهور، فروش «عین نجس» جایز نیست، مگر آنکه شیء نجس دارای منفعت عقلایی حلال و مهمی باشد که در نتیجه آن، معامله به لحاظ عقلایی و شرعی توجیه‌پذیر گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۳۴).

در مورد داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت، این شرط بستگی به این مسئله دارد که آیا ماده اولیه حیوانی در فرآیند داروسازی استحاله یافته است یا خیر. در صورت وقوع استحاله، حکم نجاست برداشته می شود و بیع آن بدون اشکال است؛ و در صورت عدم استحاله، مسئله به وجود منفعت عقلایی درمانی باز می گردد که بسیاری از فقها آن را برای صحت معامله کافی می دانند.

د. قدرت بر تسلیم و امکان انتفاع مشروع

آخرین معیار، توانایی فروشنده بر تسلیم مبیع و امکان انتفاع مشروع و واقعی خریدار است. (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱) اگر کالا قابلیت بهره برداری مورد نظر را نداشته باشد، معامله صحیح نخواهد بود. دارو، به عنوان کالایی استاندارد، قابل تسلیم بوده و انتفاع از آن نیز به صورت مشخص (درمان) مشروع است؛ بنابراین این شرط در اکثر موارد بی اشکال است.

بدین ترتیب، هرگونه حکم درباره معاملات داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت باید در چارچوب این چهار شرط تحلیل شود. تحقق مالیت، وجود منفعت مباح، بررسی وضعیت طهارت یا استحاله، و امکان تسلیم و انتفاع مشروع، چهار ستون اصلی برای ارزیابی صحت معامله این داروها در فقه امامیه به شمار می روند.

۲. حکم معامله در صورت وقوع استحاله

اگر اجزای حیوان حرام گوشت در فرآیندهای تخصصی داروسازی به گونه ای دگرگون شوند که ماهیت اولیه خود را از دست بدهند و به ماهیتی کاملاً جدید و مستقل تبدیل شوند، در اصطلاح فقهی گفته می شود که استحاله تحقق یافته است. بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، وقوع استحاله سبب می شود حکم سابق نجاست و حرمت برداشته شود و شیء جدید، به عنوان یک ماهیت مستقل، پاک و قابل استفاده تلقی گردد (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۱).

در چنین فرضی، داروی نهایی تمام شرایط صحت معامله را داراست، زیرا:

- طاهر است و حکم نجاست بر آن جاری نیست.
- دارای منفعت عقلایی روشن یعنی درمان بوده و عرف آن را مالیت دار می شمارد.

• انتفاع از آن مباح است و بهره‌برداری از آن به‌ویژه برای معالجه بیماران هیچ‌گونه ممنوعیت شرعی ندارد.

• قدرت بر تسلیم و امکان بهره‌برداری درمانی به‌طور کامل فراهم است.
بنابراین، براساس ضوابط فقهی بیع، معامله چنین دارویی صحیح، نافذ و از نظر شرعی کاملاً جایز است.

فقیهان امامیه نیز در آثار خود به روشنی تصریح کرده‌اند که اشیائی که پس از دگرگونی ماهیت، هویت جدیدی پیدا می‌کنند، دیگر عنوان نجس یا حرام سابق را به همراه ندارند و معامله آن‌ها جایز است. نمونه مشهور این حکم، سرکه حاصل از شراب است که فقها آن را پس از استحاله، طاهر و خریدوفروش آن را بدون اشکال دانسته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲: ۱۰۹). از آنجا که تحول مواد اولیه در بسیاری از فرایندهای داروسازی مشابه همین تغییر ماهوی است، این استدلال فقهی به‌طور کامل قابل تطبیق بر داروهای استحاله‌یافته بوده و حکم جواز معامله آن‌ها را تقویت می‌کند.

۳. حکم معامله در صورت عدم وقوع استحاله

در مواردی که ماده اولیه حیوان حرام گوشت در فرآیند تولید دارو دچار استحاله کامل نشود و ماده حاصل همچنان از نظر فقهی تحت عنوان «نجس العین» یا «حرام الاکل» قرار گیرد، بررسی حکم معامله با پیچیدگی بیشتری مواجه می‌شود. در چنین وضعیتی، فقیه باید میان قواعد مختلف فقهی از جمله حکم بیع اعیان نجسه، وجود منفعت عقلایی، و ضرورت‌های درمانی جمع کند تا حکم نهایی روشن شود.

بر اساس دیدگاه مشهور فقهای امامیه، فروش عین نجس در اصل جایز نیست؛ زیرا چنین اشیائی غالباً فاقد منفعت حلال محسوب می‌شوند و از این رو مالیت شرعی ندارند. با این حال، بسیاری از فقها تصریح کرده‌اند که اگر عین نجس دارای منفعت عقلایی حلال و قابل توجه باشد، فروش آن می‌تواند جایز تلقی شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۳۵).

در این چارچوب، داروهای درمانی که از مواد حیوانات حرام گوشت تهیه می‌شوند، غالباً دارای

منفعت عقلایی مهم و گاه حیاتی هستند؛ زیرا هدف اصلی از مصرف آن‌ها درمان بیماری‌ها و حفظ سلامت انسان است. افزون بر این، در بسیاری از موارد وضعیت بیمار به گونه‌ای است که ضرورت درمانی تحقق پیدا می‌کند و دسترسی به جایگزین مناسب نیز ممکن نیست. در چنین شرایطی، منفعت درمانی دارو نه تنها منفعتی عقلایی بلکه منفعتی ضروری تلقی می‌شود. از این رو، حتی بر اساس مبنای مشهور نیز می‌توان گفت که معامله چنین داروهایی، با فرض وجود منفعت عقلایی و نیاز درمانی، قابل پذیرش و جایز است؛ زیرا در این حالت، ملاک اصلی مالیت یعنی وجود منفعت عقلایی حلال تحقق یافته است.

۴. نقش قاعده «منفعت عقلایی» در صحت معامله

در فقه امامیه، وجود منفعت عقلایی مشروع یکی از ارکان اصلی و تردیدناپذیر صحت هر معامله است. فقها تصریح کرده‌اند که مالیت اشیاء در فقه، نه امری تعبدی، بلکه تابع نظر عرف و بر اساس وجود منفعت واقعی و قابل استفاده برای انسان شکل می‌گیرد. شیخ انصاری به صراحت بیان می‌کند که «مال آن است که عرف برای آن منفعت عقلایی قائل است و قابل رغبت باشد» (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۹۷).

بر این مبنا، حتی اگر کالایی از نظر طهارت یا منشأ دچار ابهام باشد، اما واجد منفعت عقلایی قابل توجه و مشروع باشد، قابلیت مالیت داشته و می‌تواند موضوع معامله قرار گیرد. در مورد داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت، منفعت عقلایی آن‌ها کاملاً روشن و مورد تأیید عرف و عقل است. این منفعت در چند محور اساسی قابل مشاهده است:

- درمان بیماری‌ها و رفع آلام جسمانی
 - حفظ جان انسان در موارد بیماری‌های سخت یا تهدیدکننده حیات
 - جلوگیری از پیشرفت بیماری و حفظ کیفیت زندگی بیمار
- این سه محور از نظر عرف، از مهم‌ترین و معقول‌ترین منافع ممکن هستند و به روشنی اثبات می‌کنند که چنین داروهایی دارای مالیت واقعی‌اند و می‌توانند موضوع بیع قرار گیرند. بر همین اساس، قاعده منفعت عقلایی چنین اقتضا می‌کند که:

هرگاه دارویی دارای منفعت درمانی معتبر و مشروع باشد، اصل بر صحت معامله آن است؛ مگر آنکه عنوان ثانوی، مانند ضرر، تسبیب به حرام، یا نبود ضرورت درمانی، مانع شود. به این ترتیب، قاعده «منفعت عقلایی» نه تنها در تحلیل فقهی معامله داروهای مشتق از حیوانات حرام گوشت نقش اساسی دارد، بلکه در بسیاری موارد، مبنای اصلی جواز معامله حتی در فرض عدم وقوع استحاله نیز محسوب می شود.

۵. نقش قاعده اضطرار در جواز معامله

قاعده اضطرار از مهم ترین قواعد فقهی است که نه تنها حرمت تکلیفی مصرف برخی اشیاء را برمی دارد، بلکه احکام وضعی مرتبط با مقدمات نجات جان - از جمله خرید و فروش و تهیه دارو - را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بر اساس مبانی فقه امامیه، هر جا حفظ نفس یا جلوگیری از ضرر شدید متوقف بر استفاده از یک شیء باشد، حکم اولیه حرمت یا نجاست آن شیء تغییر کرده و حکم ثانوی جواز یا حتی وجوب جایگزین آن می شود.

قرآن کریم در آیه ۱۷۳ سوره بقره تصریح می کند که در حالت اضطرار، حرمت اشیای ممنوع برطرف می شود: «فَمِنْ اضْطُرٍّ غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ». فقیهان امامیه با استناد به این آیه، رفع حرمت را محدود به مصرف مستقیم ندانسته و آن را شامل مقدمات ضروری برای علاج و حفظ نفس نیز دانسته اند؛ از جمله خرید، نگهداری و معامله اقلامی که در حالت عادی خرید و فروش آن ها ممنوع است (نجفی، ۱۹۸۱ م، ج ۳۶: ۳۹۴).

بر این اساس، اگر بیمار برای درمان نیازمند دارویی باشد که منشأ آن حیوان حرام گوشت است و جایگزین مؤثر و در دسترس ندارد، ترک مصرف آن موجب خطر جانی یا آسیب جدی می شود، و تنها راه دستیابی به دارو، خرید و معامله آن است، در چنین حالتی اضطرار نه تنها مصرف دارو را مجاز می سازد، بلکه معامله و خرید و فروش آن را نیز جایز و بسا واجب می کند. زیرا حفظ جان و سلامت انسان متوقف بر دسترسی عملی به داروست و این دسترسی بدون معامله تحقق نمی یابد.

از نگاه فقهی، اگر حیات یا سلامت بیمار در گرو تهیه و خرید این دارو باشد: معامله آن نه تنها جایز، بلکه در بسیاری از موارد واجب می شود.

بدین ترتیب، قاعده اضطرار یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های فقهی برای مشروعیت معامله داروهای مشتق از حیوانات حرام‌گوشت در شرایط درمانی است؛ به‌ویژه هنگامی که عدم معامله با آن‌ها موجب ضرر جانی یا تهدید سلامت بیمار گردد.

۶. حکم خرید و فروش داروهای دارای منشأ حرام‌گوشت اما فاقد مصرف خوراکی

بر اساس مبانی فقه امامیه، حرمت حیوانات حرام‌گوشت در درجه نخست به «اکل» تعلق دارد و نه به مطلق انتفاع. فقها با تصریح روشن بیان کرده‌اند که موضوع اصلی حرمت، «خوردن» است و سایر انواع انتفاع، مادامی که عنوان حرام مستقل نداشته باشند، مشمول همان حکم نیستند. شیخ انصاری به‌روشنی می‌نویسد: «تحریم الوطی و الأکل لا يستلزم تحريم مطلق الانتفاع» (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۱۰۲).

از آنجا که داروهای تهیه‌شده از حیوانات حرام‌گوشت، مصرف خوراکی تغذیه‌ای ندارند و هدف از مصرف آن‌ها تغذیه و انتفاع غذایی نیست، بلکه صرفاً جنبه درمانی و پزشکی دارد، حکم آن‌ها از دایره حرمت اکل خارج است. درواقع، معیار حرمت، تغذیه و انتفاع غذایی است، نه مصرف درمانی.

به همین دلیل، فقدان مصرف خوراکی - که ویژگی مشترک اغلب داروهای دارای منشأ حیوانی است - خود یکی از عوامل مهم در رفع مانع حرمت معامله به شمار می‌آید. توضیح این نکته در چند محور قابل بیان است:

• دارو ماهیتاً برای علاج مصرف می‌شود، نه تغذیه؛ بنابراین از قلمرو ادله تحریم اکل خارج است.

• فقها انتفاعات غیرخوراکی از اجزای حیوانات حرام‌گوشت را در صورتی که عنوان حرامی بر آن مترتب نباشد، جایز دانسته‌اند (خونی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۸۷).

• خرید و فروش چیزی که انتفاع مشروع و عقلایی دارد، مشمول ادله نهی از بیع اشیای حرام‌الأکل نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶: ۳۸۹).

بر این اساس، داروهای فاقد مصرف خوراکی تغذیه‌ای - اگر مشتق از حیوانات

حرام گوشت باشند—در حکم اولیه قابل خرید و فروش اند؛ زیرا انتفاع مقصود از آن‌ها، مشروع و عقلایی و خارج از دایره اکل است.

به بیان دیگر: چون دارو نه غذاست و نه برای تغذیه مصرف می‌شود، دلیلی بر حرمت معامله آن وجود ندارد.

این مبنا، در کنار قواعد دیگری مانند منفعت عقلایی، استحاله و اضطرار، پایه‌ای مهم در تحلیل صحت معاملات داروهای دارای منشأ حرام گوشت به‌شمار می‌آید و نشان می‌دهد که فقه امامیه در برخورد با مسائل نوپدید دارویی، از ظرفیت تفسیر دقیق و انعطاف‌پذیر برخوردار است.

دیدگاه فقهای معاصر درباره داروهای تهیه‌شده از حیوانات حرام گوشت

با توسعه علوم پزشکی و داروسازی، مسئله استفاده از مواد حیوانی در تولید داروها مورد توجه فقهای معاصر قرار گرفته است. این مسئله به‌ویژه در مواردی که مواد اولیه از حیوانات حرام گوشت یا نجس گرفته می‌شود، پرسش‌های فقهی مهمی را مطرح کرده است. فقهای معاصر با تکیه بر مبانی فقه امامیه و قواعدی مانند استحاله، اضطرار، حفظ نفس و منفعت عقلایی به بررسی این مسئله پرداخته‌اند و دیدگاه‌های متعددی ارائه کرده‌اند.

۱. دیدگاه مبتنی بر استحاله

یکی از مهم‌ترین مبانی مورد توجه فقهای معاصر، قاعده استحاله است. بر اساس این قاعده، اگر ماده‌ای نجس یا حرام در اثر تغییرات واقعی به ماده‌ای دیگر تبدیل شود، حکم پیشین آن از بین می‌رود.

برخی از فقهای معاصر با استناد به این قاعده، مصرف داروهایی را که ماده اولیه حیوانی در آن‌ها به‌طور کامل تغییر ماهیت داده است جایز دانسته‌اند. از جمله:

امام خمینی در بحث مطهرات تصریح می‌کند که در صورت تحقق استحاله، حکم نجاست از بین می‌رود و شیء جدید پاک محسوب می‌شود (خمینی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۲۴).
آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی نیز استحاله را از مطهرات دانسته و بیان می‌کند که با تغییر ماهیت، موضوع حکم سابق از بین می‌رود (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۳).

آیت الله سید علی سیستانی نیز در فتاوی خود استحاله کامل را موجب طهارت و تغییر حکم می داند (سیستانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۱۶).

بر این اساس، در مواردی که مواد اولیه حیوانی در فرآورده های پیچیده شیمیایی و زیستی صنعت داروسازی به ترکیباتی کاملاً متفاوت تبدیل شوند، بسیاری از فقه های معاصر آن را مشمول قاعده استحاله دانسته و مصرف آن را جایز می شمارند.

۲. دیدگاه مبتنی بر ضرورت درمانی

گروهی از فقه های معاصر با تأکید بر ضرورت های درمانی، استفاده از داروهای مشتمل بر مواد حرام را در شرایط خاص جایز دانسته اند. مبنای این دیدگاه، قواعد فقهی مانند قاعده اضطرار و حفظ نفس است.

امام خمینی در بحث اضطرار بیان می کند که اگر حفظ جان انسان متوقف بر استفاده از ماده حرام باشد، استفاده از آن به مقدار ضرورت جایز است (خمینی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۶۳).
آیت الله خامنه ای نیز در پاسخ به استفتائات درباره داروهای حاوی مواد حرام تصریح می کند که در صورت ضرورت و نبود جایگزین مناسب، استفاده از آن ها مانعی ندارد (خامنه ای، ۱۳۹۱ش، ص ۲۹۹).

آیت الله مکارم شیرازی نیز معتقد است که در صورت ضرورت پزشکی و تشخیص پزشک متخصص، استفاده از داروهای مشتمل بر مواد حرام جایز است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۴).

بر اساس این دیدگاه، اگر درمان بیماری وابسته به مصرف دارویی باشد که از حیوان حرام گوشت تهیه شده است و داروی جایگزین حلالی وجود نداشته باشد، مصرف آن از باب اضطرار مجاز خواهد بود.

۳. دیدگاه مبتنی بر منفعت عقلایی در تولید و معاملات دارویی

برخی فقه های معاصر در بررسی این مسئله بر وجود منفعت عقلایی در تولید دارو تأکید کرده اند. از نظر آنان، داروها به دلیل نقش مهمی که در درمان بیماری ها و حفظ سلامت انسان

دارند، دارای منفعت عقلایی مشروع هستند و همین امر می‌تواند در ارزیابی فقهی تولید و معاملات آن‌ها مؤثر باشد.

آیت‌الله خویی در مباحث معاملات تصریح می‌کند که وجود منفعت عقلایی قابل توجه می‌تواند ملاک مشروعیت بسیاری از معاملات باشد (خویی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴).

آیت‌الله سبحانی نیز در مباحث فقه پزشکی اشاره می‌کند که اگر ماده‌ای دارای منفعت مهمی مانند درمان بیماری باشد، می‌توان آن را در چارچوب منافع عقلایی مشروع بررسی کرد (سبحانی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

بر این اساس، تولید داروهایی که از مواد حیوانی به دست می‌آیند - حتی اگر منشأ آن‌ها حیوانات حرام گوشت باشد - در صورتی که برای درمان بیماری‌ها مورد استفاده قرار گیرند و با سایر قواعد شرعی تعارض نداشته باشند، می‌تواند از نظر فقهی قابل توجیه باشد.

۴. دیدگاه احتیاطی برخی فقها

در کنار دیدگاه‌های پیش‌گفته، برخی فقهای معاصر رویکرد احتیاطی اتخاذ کرده‌اند. این گروه معتقدند که تا زمانی که امکان استفاده از مواد حلال در تولید دارو وجود دارد، بهتر است از مواد حاصل از حیوانات حرام گوشت استفاده نشود.

آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به برخی استفتائات درباره داروهای مشتمل بر مواد حرام، توصیه می‌کند که در صورت امکان از داروهای جایگزین حلال استفاده شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۴۰۱).

آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در موارد مشابه بر رعایت احتیاط و ترجیح استفاده از داروهای فاقد مواد حرام تأکید کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۱۱۲).
با این حال، حتی در این دیدگاه نیز در صورت تحقق ضرورت درمانی و نبود جایگزین مناسب، استفاده از چنین داروهایی جایز دانسته شده است.

جمع‌بندی دیدگاه‌ها

بررسی دیدگاه فقهای معاصر نشان می‌دهد که گرچه اصل اولیه در مورد مواد حرام یا نجس،

منع استفاده از آن‌هاست، اما در حوزه پزشکی و داروسازی با توجه به شرایط جدید، رویکردی منعطف‌تر شکل گرفته است. در مجموع، بسیاری از فقهای معاصر در یکی از شرایط زیر مصرف یا تولید داروهای مشتق از حیوانات حرام‌گوشت را مجاز دانسته‌اند:

تحقق استحاله و تغییر ماهیت ماده اولیه (خمینی، خویی، سیستانی)

وجود ضرورت درمانی و نبود جایگزین مناسب (خمینی، خامنه‌ای، مکارم شیرازی)

وجود منفعت عقلایی مهم در درمان بیماری‌ها (خویی، سبحانی)

رعایت احتیاط و ترجیح استفاده از مواد حلال در صورت امکان (فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی)

این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه با تکیه بر قواعد اجتهادی خود، توانایی مواجهه با مسائل نوپدید حوزه پزشکی و داروسازی را دارد و می‌تواند راهکارهایی متناسب با نیازهای درمانی جامعه ارائه دهد.

نتیجه

مسئله استفاده از اجزای حیوانات حرام‌گوشت در صنعت داروسازی، یکی از چالش‌های نوپدید فقه پزشکی معاصر است که در پرتو گسترش علوم زیستی، فرآورده‌های دارویی نو ترکیب، و بهره‌گیری از مواد حیوانی در سطح گسترده، اهمیت فراوانی یافته است. پژوهش حاضر کوشید بر پایه مبانی فقه امامیه، حکم تولید، مصرف و معامله داروهای مشتق از حیوانات حرام‌گوشت را بررسی کند و نشان دهد که فقه امامیه با تکیه بر قواعد اجتهادی دقیق، توان پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده و مستحدثه این حوزه را دارد.

بررسی ادله نشان داد که حرمت حیوانات حرام‌گوشت اساساً ناظر به اکل است، نه مطلق انتفاع (انصاری، ۱۴۲۰ق: ۱۰۲). در نتیجه، داروهایی که فاقد مصرف خوراکی تغذیه‌ای‌اند و صرفاً برای درمان مورد استفاده قرار می‌گیرند، از قلمرو اصلی ادله تحریم خارج‌اند. این تمایز بنیادین، مبنای تحلیل فقهی جواز اولیه تولید و انتفاع از این‌گونه داروها به شمار می‌آید. از سوی دیگر، قواعد کلیدی فقهی در حوزه احکام ثانویه نیز نقش مهمی در سامان‌دهی

احکام این مسئله دارند. قاعده منفعت عقلایی نشان می‌دهد که هر شیئی که دارای منفعت قابل توجه و مشروع باشد، مالیت داشته و موضوع معامله صحیح قرار می‌گیرد؛ و دارو به دلیل نقش حیاتی در درمان بیماری‌ها و حفظ جان انسان، دارای منفعت عقلایی محرز است. نیز قاعده اضطرار و حفظ نفس بیان می‌کند که اگر درمان بیمار وابسته به دارویی مشتمل بر مواد حرام باشد و جایگزین مؤثر وجود نداشته باشد، مصرف و حتی خرید و فروش آن از باب ضرورت مجاز، و در برخی موارد واجب است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۶: ۳۹۴).

در مواردی که مواد حیوانی طی فرآیندهای شیمیایی و زیستی به ترکیبات جدیدی تبدیل می‌شوند، قاعده استحاله موجب رفع نجاست یا حرمت ماده اولیه و تغییر حکم آن می‌شود. این مبنا در فتاوی بسیاری از فقهای معاصر، همچون امام خمینی، آیت‌الله خویی و آیت‌الله سیستانی، نقش اساسی در جواز مصرف فرآورده‌های دارویی با منشأ حیوانی داشته است. از این رو، بخش قابل توجهی از داروهای صنعتی امروز - که در آن‌ها تغییرات ساختاری گسترده رخ می‌دهد - از نظر فقهی مشمول استحاله و در نتیجه پاک و قابل مصرف تلقی می‌شوند.

بررسی دیدگاه فقهای معاصر نشان داد که رویکرد آنان در مواجهه با این مسئله، هرچند در جزئیات متفاوت است، اما در سه محور اصلی اشتراک دارد:

جواز مصرف در صورت تحقق استحاله یا ضرورت درمانی،

جواز تولید به دلیل عدم شمول ادله حرمت اکل نسبت به انتفاعات غیر خوراکی و نیز وجود منفعت عقلایی،

جواز معامله بر پایه مالیت عرفی و ضرورت دسترسی به دارو برای حفظ جان.

در کنار این مبانی، برخی فقها رویکرد احتیاطی اتخاذ کرده‌اند و در صورت وجود جایگزین حلال، استفاده از مواد حرام را ترجیح نمی‌دهند؛ اما در حالت اضطرار، حکم به جواز داده‌اند. این نشان می‌دهد که حتی دیدگاه‌های محتاطانه نیز در شرایط درمانی، انعطاف لازم را پذیرفته‌اند.

برآیند تحلیل‌ها و فتاوا نشان می‌دهد که فقه امامیه با بهره‌گیری از اصولی چون **استحاله**، **اضطرار**، **منفعت عقلایی و حفظ نفس**، ظرفیت پاسخ‌گویی به تحولات گسترده حوزه

پزشکی و داروسازی را دارد. این قواعد امکان می‌دهد که احکام شرعی در کنار رعایت اصول سلامت و نیازهای درمانی جامعه، به صورت هماهنگ و نظام‌مند اجرا شود؛ به گونه‌ای که هم حرمت‌های شرعی پاس داشته شود و هم مسیر تولید و مصرف داروهای مؤثر و ضروری برای بیماران مسدود نگردد.

در نتیجه، حکم نهایی در مورد داروهای مشتق از حیوانات حرام‌گوشت چنین است:

- تولید آن‌ها، به دلیل خروج از دایره اکل و وجود منفعت عقلایی، در اصل جایز است؛
- مصرف آن‌ها در صورت استحاله، ضرورت درمانی یا نبود جایگزین مناسب، جایز یا واجب می‌شود؛

• معامله آن‌ها به دلیل مالیت عرفی و نیاز درمانی، با وجود منفعت عقلایی و در موارد اضطرار، صحیح و مجاز است.

این جمع‌بندی نشان می‌دهد که فقه امامیه با رویکردی واقع‌بینانه، سلامت‌محور، و مبتنی بر قواعد اصولی، توانایی مدیریت مسائل نوپدید داروسازی را داشته و می‌تواند راه‌حل‌هایی هماهنگ با نیازهای علمی و پزشکی روز ارائه کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- الانصاری، مرتضی بن محمد امین. المکاسب. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
- _____، فرائد الأصول، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
- البحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
- الجبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
- _____، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
- الحجّر العاملی، محمد بن حسن. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ق.
- الحلی، الحسن بن یوسف (علامه حلی). تحرير الأحكام الشرعية. قم: مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، ۱۴۲۰ق.
- _____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۲۸ق.
- _____، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- الحلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
- خامنه‌ای، سید علی حسینی. أجوبة الاستفتاءات. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- الخراسانی، محمدکاظم. كفاية الأصول. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
- خمینی، روح الله موسوی. استفتائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.
- _____، تحرير الوسيلة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۸ق.
- الخوئی، ابوالقاسم الموسوی. مصباح الفقاهة. قم: مدرسة الإمام الخوئی، ۱۴۱۵ق.
- _____، منهاج الصالحين. قم: مؤسسة الخوئی، ۱۴۱۰ق.
- سبحانی، جعفر. القواعد الفقهية. قم: مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام)، ۱۴۳۰ق.
- سیستانی، سید علی حسینی. احكام پزشکی و استفتائات مبتلابه. قم: نشر ضیاء، ۱۳۹۸ش.

- _____، منهاج الصالحین. قم: مؤسسة المنار، ۱۴۳۱ق.
- الشهید الأول، محمد بن مکی العاملی. اللمعة الدمشقیة. قم: دارالمرتضی، بی تا.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. جامع الأحکام. قم: دفتر نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ش.
- الطوسی، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الإمامیة. قم: المكتبة المرعشیة، ۱۳۸۷ق.
- علیدوست، ابوالقاسم. فقه و حقوق پزشکی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷ش.
- فاضل لنکرانی، محمد. جامع المسائل. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۸۶ش.
- قراملکی، باقر. فقه پزشکی؛ مباحث مستحدثه در فقه درمان و سلامت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۶ش.
- قربانی، محمد. فقه داروسازی و پزشکی نوین. تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- محمدی، علی. «بررسی فقهی استفاده از فرآورده‌های نجس در پزشکی». مجله فقه پزشکی، شماره ۵ (۱۳۹۹): ۴۵-۷۲.
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ش.
- مکارم شیرازی، ناصر. استفتائات جدید. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
- _____، القواعد الفقهیة. قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۲۵ق.
- النجفی، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- نیک‌زاد، مهدی. «قاعده استحاله و کارکردهای جدید آن در صنعت داروسازی». پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲ (۱۴۰۰).
- الیزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم. العروة الوثقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ق.